885
19/9/2002

بسم الله الرحمن الرحیم

سؤال اول

چه میفرمایند علماء اهل سنت و جماعت کثرهم الله تعالی در آنکه فرقه امامیه که فی زماننا مذهب ایشان مروج
است در کلام و ایمان ایشان در طریقه و مسلمانان از ملاقات یکدیگر با ایشان اگر دو آید یا نه ثانی آنکه اگر کسی قذف
عایشه رضی الله عنها یا سب صحابه کبار رضی الله عنهم نماید و سنی او را بقتل رساند در قصاص آن چه حکم است و علی هذا القیاس
خوارج و نواصب ثالث آنکه در اجتماع تفضیل الشیخین که نزد اهل سنت متحقق شده است اما تفضیل الشیخین
بر مرتضی رضی الله عنه من کل الوجوه ثابت است یا من وجه رابع آنکه امامت تفضیلیه جایز است یا نه در صلوة مقتدیان
او که اهل سنت باشند چه حکم است خامس در سب مروان و معاویه نزد اهل سنت چه تحقیق رفته سادس
چنانکه اگر حنفی المذهب در بعضی احکام بر مذهب شافعی مثل رفع یدین وغیره عمل نماید چه حکم است سابع آنکه
در تحصیل علم [illegible] اگر کسی مثلا شخصی اشتغال آن دارد که بر جواز و عدم آن چه حکم است و ایضا در علم
فارسی که سوای حدیث و قرآن باشد چه حکم است و ضعیف در فتاوی سراج المنیر تصنیف تاج محمد حنفی
در این باب لفظی چند که مشاهده نموده که اندراج می نماید بکتابه عبارته تعلم العلم یکون فرض عین و هو قدر
ما یحتاج الیه و فرض کفایة و هو ما زاد علیه لنفع غیره و مندوب و هو التبحر فی الفقه و حرام و هو علم فلسفة و نجوم
و رمل و علم الطبایعین والسحر و دخل فی الفلسفة المنطق انتهی کلامه و نیز نوکری نصاری چه حکم است
ثامن آنکه در استماع غنا نزد ابو حنیفه کوفی رحمه الله چه حکم رفته و کسی از اهل سنت بجواز آن حکم کرده یا نه تاسع
آنکه در مقتدی حنفی مسئله چه حکم است که [illegible] یا نه عاشر آنکه بر تقدیر ثبوت حدیث معروف کل بدعة

حرام بر حلت و حرمت حقه چه حکم است و این حدیث من اکل البنج لقمة فکانما زنی بامه سبعین مرة و من
زنی بامه مرة فکانما هدم الکعبة سبعین مرة و ایضا من اکل البنج و مات علی هذا یحشره الله فی القیمة مکتوبا
بین عینیه هذا آیس من رحمة الله عز و جل صحیح است یا نه چنانچه علاء الدین محمد ابراهیم که از اهل
امامیه است در تنبیه الغافلین تحقیق این نموده و گفته که این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم نیست جواب
سوال اول آنکه شبهه نیست که فرقه امامیه منکر خلافت حضرت ابوبکر صدیق اند و در کتب فقه
مسطور است که هر که انکار خلافت حضرت ابوبکر صدیق کند منکر اجماعی قطعی شد و کافر گشت
قال فی الفتاوی عالمگیری الرافضی اذا کان یسب الشیخین و یلعنهما العیاذ بالله فهو کافر و ان کان
یفضل علیا کرم الله وجهه علی ابی بکر رض فهو کافر و علی قول بعضهم هو مبتدع و لیس بکافر و الصحیح انه
کان کافرا و کذلک من انکر خلافة عمر رض فی اصح القول و یجب اکفار الرفض فی قولهم برجعة الاموات
الی الدنیا و تناسخ الارواح الی ان قال و هولاء القوم خارجون عن ملة الاسلام و احکامهم احکام المرتدین انتهی کلامه
هرگاه بموجب روایت فقه کفر ایشان ثابت شد پس در ملاقات ایشان نیز حکم ملاقات کفار جاری یعنی
ابتدا بسلام نباید کرد الا عند خوف الضرر العظیم اللاحق منهم و در جواب نیز بقدر ضرورت اکتفا باید نمود
و اگر افعال تعظیمیه دیگر غیر از سلام با خود بعمل آید در مقام بقدر شرع بعمل باید آورد و همچنین در عیادت و تعزیت
و تهنیت و اجابت دعوت مکافات منظور باید داشت چنانچه همین حکم سایر کفار است و کذا حکم الخوارج
و النواصب جواب سوال ثانی آنکه قاذف عایشه رض و سباب صحابه رض بلا شبهه مرتد است او را بکشتن

لا یکون کافرا الا انه مبتدع و من انکر امامة ابی بکر الصدیق رض

فاسق

بپیش حاکم برده ثابت شود و اثبات قذف و سب بر او نموده بقتل باید رسانید که حکم حدیث من سب نبیا
فاقتلوه و با اینهمه برای آنست که قصاص از قاتل دفع شود و الا بمجرد شخص کشتن شود این کلام صحیح را
بشنود و متکلم بان کلام را اگر بعد انکار نماید ثابت نشود اما عند القاضی اگر مشهود و معتبر باشد مستوجب قصاص
نخواهد شد و همین است حکم خوارج و نواصب اگر قذف و سب نماید جواب سوال ثالث آنکه تفضیل شیخین
بر حضرت مرتضی علی رضی الله عنه من کل الوجوه نیست بلکه علمای محققین نوشته اند که تفضیل الشیخین علی الاخر
من جمیع الوجوه معلل است بتفضیل حضرت مرتضی علی در جهاد و سیفی و سنانی و فن قضا و کثرت روایت
حدیث و بانسبه و خفیه لاسیما از جهت برادر حضرت صدیق اکبر قطعی نیست بلکه یقین تفضیل از جهات
در تقدم اسلام و اول من صلی بودن بر حضرت فاروق نیز قطعی نیست بلکه مراد از تفضیل شیخین بر حضرت
مرتضی نیست که تفضیل ایشان در تشبیه به نبی من جهة سیاسة الامة و حفظ الدین و سد باب الفتنة و
ترویج الاحکام الشرعیة و اشاعة الاسلام فی البلدان و اقامة الحدود و التعزیرات و همین است مقاصد
خلافت کبری و لهذا تقدیم الشیخین درین امر مجمع علیه صحابه بوده بلکه در صواعق محرقه و دیگر کتب حدیث
معتبره مذکور است که جناب رسالت مآب صلی الله علیه و سلم فرموده سألت الله ان یقدمک یا علی فابی
الا تقدیم ابی بکر جواب سوال رابع آنکه تفضیلیه دو قسم اند اول کسانیکه حضرت مرتضی علی را بر شیخین
تفضیل میدهند و لیکن در محبت و تعظیم و تکریم ایشان و مناقب و مدائح ایشان تا بلیغ ورزند مثل نظر تقدیم
تمسک باقوال و افعال ایشان کرده ... تقدم ... اهل سنت با وجود تفضیل شیخین بر جناب

مرتضی علی رضه از وجهی که مذکور شد نسبت بجناب مرتضوی کمال رسوخ و محبت و اتباع و طریقه و تمسک
بقول و فعل آنجناب بسر کرده اند و این قسم تفضیلیه از اهل سنیان اند لیکن درین مسئله خطا کردن و خلاف
ایشان را با جمهور اهل سنت از قبیل اشعریه یا ماتریدیه باید فهمید امامت این قسم مردم جایز است و بندی
از علمای سنت و صوفیه اینها برین روش بوده اند مثل عبد الرزاق محدث و سلمان فارسی و حسان
بن ثابت و بعضی صحابه دیگر و قسم دوم از تفضیلیه کسانی باشند که گویند ما را محبت مرتضی علی رضه و اولاد
و اتباع و طریقه اینها تمسک باقوال و افعال اینها کافیست و شیخین و دیگر صحابه را بد نگوییم لیکن با اینها
سر و کار هم نداریم نه محبت و نه عداوت نه اتباع و نه ترک اتباع و نه تمسک باقوال و افعال اینها
و نه رفض و این قسم از تفضیلیه بلا شبهه مندرج اند در حکم امامیه و حکم امامت ایشان حکم امامت
امامیه مبتدع است بلا شبهه مبتدع اند و حکم امامت ایشان حکم مبتدع است و هر کسی از معتبران اهل سنت
این قسم تفضیل ننموده است جواب سوال خامس آنکه مروان علیه اللعنه را بد گفتن و بدل ازو بیزار بودن
خصوصا در سلوکی که با حضرت حسین و اهل بیت رضه نموده و عداوت مستقره آن بزرگواران در
دل داشت از لوازم سنیه و محبت اهل بیت است که از جمله فرایض ایمان است و اما معاویه بن
ابی سفیان پس صحابی است و در حق او بعضی احادیث نیز وارد است و علماء اهل سنت در حال او
مختلف اند علمای ماوراء النهر متقشفین فقها این همه حرکات و جنگ و جدال او را با جناب مرتضی علی
محمول بخطای اجتهادی دارند و محققین اهل حدیث بعد تتبع روایات صحیحه دریافته اند که این حرکات خالی